



در معارف دینی درباره عبادت ها دو بحث و دو باب داریم؛ یک بحث در مورد آداب ظاهری و احکام شرعی در عبادات مختلف است و بحث دیگر درباره آداب باطنی و اسرار عرفانی عبادت. در بخش اول اگر تمام آنچه دستور داده شده است رعایت شود، آن عبادت صحیح است و در بخش دوم اگر دستورات رعایت شود، موجب قبولی عمل می شود.

پس قبولی اعمال در گرو اصلاح باطن عبادات و طهارت باطنی است. در یک مقدمه می توان گفت که حتی خود عبادت هدف نیست؛ چون عبادت در درگاه خداوند نقشی ندارد، پس عبادت ابزار هدف است و با عبادت، هدف محقق می شود. هدف از خلقت انسان، کمال انسان در عبودیت و بندگی خداوند است. اگر بنا شد در نتیجه عبادت به هدف آن نائل شویم، این عبادت صحیح و کامل است اما اگر ظاهر عبادت را درست انجام دادیم و به نتیجه آن نرسیدیم، این عبادت مقبول ذات مقدس پروردگار نیست.

پیامبر اکرم^(ص) می فرماید نماز جز با طهارت درست نیست. طهارت شرط نماز است. دو گونه طهارت داریم؛ نخست طهارت خبث که در آن انسان، اصل نجاست و آلودگی را از بدن و لباس خود پاک می کند و دیگری طهارت حدث است.

منظور از طهارت حدث این است که انسان وضو بگیرد، غسل کند و نماز بخواند. چرا انسان باید غسل کند؟ اگر هدف، تمیزی بدن است که با استحمام بدن پاکیزه می شود، چون با غسل نینتی که انجام می دهد، ملاک است.

انسان باید از باطن و از عمق نیت خود را پاک کند تا شرط نماز فراهم شود. اگر ما از آلودگی ها پاک شدیم و تقوا برای ما از طریق پاک شدن گناهان و معصیت حاصل شد، عبادت را انجام داده ایم اما اگر از این آلودگی خود را پاک نکردیم و تنها بدن تمیز شد، نمی شود نماز خواند.

حتی در بعضی روایات این موضوع بیان شده است که وضو برای طهارت دل است. درواقع اگر وضو با آداب خاصش انجام شود، می تواند دل انسان را آماده مناجات با پروردگار کند. خداوند متعال در سوره مائده، آیه ۶ که دستور وضو، غسل و تیمم را می دهد، می فرماید: «مَا يُرِيدُ... لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ بِنِعْمَتِهِ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» «خدا نمی خواهد هیچ گونه سختی برای شما قرار دهد، ولیکن می خواهد شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند، باشد که شکر او را به جای آورید».

نیتنی که در تیمم، غسل و وضو به جا آورده می شود، درواقع تطهیرکننده انسان است. پیامبر اکرم^(ص) وضو گرفتن را به این معنا برای یکی از اصحاب خود توضیح دادند که وقتی آب روی صورت می ریزید، به این قصد باشد که صورت را از سیاهی گناه و زشتی معصیت تطهیر کنید. روی دست ها ب پریزید با این قصد که این دست به سمت گناه، جان و مال مردم دراز نشود.

مسح سر می کشید به این نیت که این سر از تمام افکار و عقاید باطل پاک شود و در نهایت مسح پا می کشید، به این نیت که از گناه کردن پا عقب بکشید و در مسیر گناه با این پا حرکت نکنید.

اگر انسان بتواند با نماز به این اهداف دست پیدا کند، دارای تقوا می شود. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «خدا تنها از متقین و افراد باتقوا عبادت را قبول می کند»؛ زیرا متقین با تقوا عبادت را به نتیجه می رسانند اما اگر انسان تقوا نداشت، هدف عبادت محقق نمی شود و خداوند این عبادت را قبول نمی کند.

درواقع نماز و عبادات واقعی و مقبول، انسان را در مسیر تقوا قرار می دهد و از آن طرف هم اعمال، تنها از اهل عمل و اهل توجه به خدا قبول می شود؛ یعنی به آن نماز مقبول هم جز با واسطه اعمال صالح نمی توان رسید.

برگرفته از خطبه های نماز جمعه مشهد تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

فرقی نمی کند چقدر از تاریخ اسلام خوانده باشید یا با آنچه در کتب تاریخی و فقهی آمده است، آشنا باشید. به روایت شیعه و سنی، حضرت فاطمه^(ص) افضل ترین و برترین زنان جهان بوده اند. در روزگار بعد از رحلت رسول^(ص) که خورشید وجود ایشان افول کرد، تنها ستاره ای که در آسمان غبارگرفته اسلام سوسو می زد و با صدای حزین و آرامش، دل ها را مشتاق نگاه می داشت، فاطمه^(ص) بود. در دوران سخت حاکمیت سقیفه که با حبس و زندان بردن امیر غدیر همراه بود، تنها ناله ای که ماند و فریاد شد، ناله دختر رحمة للعالمین بود که با کمال شهادت و شجاعت، از دین و ماندگاری آن توسط حضرت علی^(ع) می گفت و حقایق او و بطلان دیگران را صلا می داد. آثار زیادی در مورد آموزه های ایشان برای ماتألیف و نوشته شده است اما کتابی که امروز می خواهیم به شما معرفی کنیم، از کتبی است که مرکز نشر اسراء آن را منتشر کرده است. این مرکز که مسئولیت چاپ و نشر آثار آیت... جوادی آملی را برعهده دارد، در مجموعه تألیفات خود، اقدام به انتشار آثری با موضوع فاطمی به نام «فاطمه^(ص)، اسوه بشر» کرده است که برگرفته و تنظیم یافته از آثار آیت... جوادی آملی در معرفی شخصیت حضرت فاطمه^(ص) است. ستودن فاطمه زهرا^(ص) همواره از بحث ها و موضوع های محوری در سخنان و آثار آیت... عبدا... جوادی آملی است که در فرصت های مختلف به آن پرداخته شده است.

آیت... جوادی آملی در زمینه های مختلفی چون فقه، تفسیر، فلسفه و حدیث کتاب نوشته است. مرکز مطالعات استراتژیک سلطنتی اردن، تعداد مقالات و کتاب های جوادی آملی را بیش از سیصد اثر ذکر کرده است. کتاب تفسیر او که حاصل درس های تفسیرش است، تسنیم نام دارد و ۶۲ جلد از آن تا تیر ۱۴۰۰ شمسی منتشر شده است. از کتاب های دیگر ایشان «رحیق مختوم» حاصل سومین دوره تدریس کتاب «أسفار اربعه» نوشته ملاصدراست که تا سال ۱۴۰۰ شمسی جلد سی و پنجم آن منتشر شده است. مفاتیح الحیات، زن در آئینه جمال و جلال، شریعت در آئینه معرفت، ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره) و توضیح المسائل از دیگر کتاب های آیت... جوادی آملی است. کتاب «فاطمه^(ص)، اسوه بشر» شامل پنج بخش است.

فصل نخست: با عنوان «کلیات» به بیان مباحثی با عناوین ضرورت شناخت اهل بیت^(ع)، گستره شناخت اهل بیت^(ع)، اهل بیت^(ع)، بهترین الگوی هدایت، فاطمه^(ص)، آئینه تمام نمای اهل بیت^(ع)، فاطمه^(ص)، الگویی فرا جنسیتی و فاطمه^(ص)، الگویی فراتر از زمان و مکان پرداخته است.

فصل دوم: این فصل به بررسی فضایل و مناقب اهل بیت^(ع) و حضرت فاطمه^(ص) اختصاص یافته است.

فصل سوم: حضرت فاطمه^(ص)، در آینه قرآن، نام بخش سوم است که طی آن، فاطمه^(ص) در صفای آینه وحی و به روایت آیات و سوره هایی چون آیه تطهیر، آیه مودت، سوره کوثر، سوره قدر و سوره دهر، معرفی شده است.

فصل چهارم: در این بخش، سیره حضرت فاطمه^(ص)

در ابعاد علمی و معرفتی، تربیتی و آیین همسرداری و اجتماعی و سیاسی بررسی و تبیین شده است.

فصل پنجم: این فصل به طرح هفت پرسش و پاسخ درباره حضرت فاطمه^(ص) (اختصاص یافته است.

پرسش هایی چون چرا فاطمه^(ص) با این همه مقامات و فضایل به عنوان پیامبر برگزیده نشد؟ چرا در بین ۱۲۴ هزار پیامبر و ۱۴ معصوم فقط یک زن وجود دارد؟ و چگونه ممکن است که حضرت فاطمه^(ص) پیش از آفرینش امتحان شود، از جمله سؤالاتی است که در این بخش به آن ها پاسخ داده شده است.



توصیه هایی درباره مدیریت امور مالی براساس آموزه های دینی

از فقر به توپناه می بریم

برکت مال با محاسبه کردن

امام صادق^(ع) نقل می کند که گروهی از اینکه گندم و خوراکشان به زودی تمام می شود، نزد پیامبر^(ص) شکایت بردند. حضرت به آن ها فرمودند: «در هنگام مصرف، پیمانه می کنید یا پیمیانه می ریزید؟» گفتند یا رسول خدا! بی پیمانه می ریزیم؛ یعنی بی قاعده و حساب، فرمودند: «به هنگام مصرف، پیمانه کنید و اندازه داشته باشید که این کار بر برکت می افزاید».

کسب معاش، مرد و زن ندارد

در سیره پیامبر اکرم^(ص) و ائمه اطهار^(ع) روایات بسیاری وجود دارد که زنان برای خود کسب و کار دارند و مورد تأیید این بزرگان هستند. ام حسن نخیعه می گوید: «حضرت علی^(ع) در راه به من برخورد کرد و فرمود: ام حسن، به چه کاری مشغولی؟ گفتم: بافندگی می کنم. امام به من فرمود: بدان که حلال ترین کسب است» (محمّد بن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۱۵/۸۶). برپایه این نقل، امام یادیدن ام حسن در ابتدا، از شغل او سؤال کردند که حاکی از مشروعیت اشتغال برای زنان است و دیگر آنکه وقتی ام حسن در جواب امام عرض کرد به بافندگی اشتغال دارم و از این راه ارتزاق می کنم، امام نه تنها او را از این حرفه منع نکردند، بلکه با این جمله که، «حلال ترین کسب است»، او را بر ادامه اشتغال به این حرفه تشویق کردند، زیرا برای داشتن معاشی حلال و سلامت، همه می توانند تلاش کنند.

عبرت از شکست مالی مؤمن

فردی که در زندگی مدیریت و برنامه ریزی خوبی دارد، نه تنها کمتر شکست می خورد، بلکه می تواند از تجربه هایش عبرت بگیرد. امام صادق^(ع) می فرماید: «المؤمنُ حَسْبُ المَعُونَةِ، خَفِيفُ المَوْنَةِ، جَدِّ التَّكْوِينِ لِمَعِيشَتِهِ، لَا يُلْسَعُ مِنْ جُحْرِ مَزْتِنٍ، مؤمن، یابوری خوب و کم خرج و کم زحمت است، زندگی اش را خوب اداره می کند و از یک سوراخ دوبارگزیده نمی شود» (کافی، ۲/ ۲۴۱/۳۸).

حمیده ذاکری ا بخش زیادی از احکام فقهی و توصیه های روایی مادر مورد احکام مالی است. دین اسلام برای این امر مهم زیستی بایدها و نیابدهای زیادی وضع کرده است تا از طریق آن ها رفاه، سلامت و استقلال زندگی مسلمانان حفظ شود. از بدترین گرفتاری ها در زندگی آدمی، مشکلات مالی، فقر و نیاز مالی است که روح انسان را آزار می دهد. فقر گاهی به خاطر مهارت نداشتن انسان در مدیریت منابع مالی و دارایی ها است و گاهی به دلیل شیوه مصرف، فقر، ما را از مسیر اصلی مان که رسیدن به سعادت و رستگاری است، بازمی دارد و به سوی خطرهای مهلکی سوق می دهد. پیامبر^(ص) در روایتی درباره خطرهای فقر می فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا، نزدیک است که فقر به کفر انجامد». امروز به برخی توصیه های روایی در مقابله با این پدیده می پردازیم تا از خطرهای ناشی از فقر و نیاز مالی در امان باشیم.

ثروت از آن خداست

به دنبال معاش بودن، برابر با جهاد در نظر گرفته شده است اما نگاه ما به ثروت، باید براساس امانت بودن آن باشد تا از مقسده های اخلاقی جلوگیری شود. امام صادق^(ع) می فرماید: «ثروت از آن خداست و او آن را نزد بندگان خود امانت گذاشته و دستور داده است که از آن در حد متعارف بخورند و بیاشامند و لباس تهیه کنند و ازدواج کنند و برای سواری از آن استفاده کنند و با بقیه آن، به مؤمنان نیازمند کمک کنند، بنابراین کسی که در هر قسمت از آن از حد معمول، تجاوز و بیشتر مصرف کند، مرتکب گناه شده است و آنچه زیادی خورده یا آشامیده یا پوشیده یا در امر ازدواج و سواری صرف کرده است، حرام است» (بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۱۶، حدیث ۷۴).

جلو گیری از اسراف با میانه روی

حضرت علی^(ع) می فرماید: «الاعتقصاد ينمي القليل والاسراف يغني الجزيل؛ برنامه ریزی و میانه روی، کم را زیاد می کند ولی اسراف نعمت فراوان را نابود می سازد». ایشان همچنین می فرماید: «لا يذوق المرمه من حقيقة الايمان حتى يكون فيه ثلاث خصال الفقه في الدين والصبر على المصائب وحسن التقدير في المعاش، کسی مزه ایمان رانمی چشد، مگر اینکه از سه خصلت بهره مند باشد؛ فهم درست دین، بردباری در مصیبت ها و اندازه داری نیکو در معاش».

پرهیز کاری و اعتدال در مصرف

یکی از ویژگی های فرد برگزیده و پرهیزکار، استفاده از مال حلال و معتدل بودن انسان در استفاده از مادیات است. یکی از باران امام رضا^(ع) نقل می کند: «به امام هشتم^(ع) گفتم: فدایت شوم، دعاکن خدایه من روزی حلال عطا کنند. فرمود: می دانی حلال چیست؟ گفتم: بیش ما حلال، همان کسب پاک و پاکیزه است. امام^(ع) فرمود: امام زین العابدین^(ع) می فرمود: حلال، غذای برگزیدگان است. سپس فرمود: این چنین بگو: خدایا! از تو روزی فراخ می خواهم» (کافی، جلد ۵، صفحه ۸۹).

روشنا

امانتی که به تو سپردند، به صاحبانش برگردان و تو نیز فردی که او را امین و امانت دار خود دانستی، مورد شک و اتهام قرار مده. (بحار، ج ۷۷، ص ۸۵).

و گر نامور شد به قول دروغ، دگر راست باور ندارند از او

دیدگاه پیامبر اکرم^(ص) درباره راستگویی و دروغگویی

حدیثی درباره این عمل می فرماید: «شما را سفارش می کنم به راستگویی که راستگویی با نیکی همراه است و هر دو در بهشت اند و از دروغگویی بیرهزید که دروغگویی همراه با بدکاری است و هر دو در جهنم اند». همچنین در روایت دیگری آمده است که مردی به نزد رسول خدا^(ص) رفت و به ایشان عرض کرد: «به من اخلاقی بیاموزید که خبر دنیا و آخرت در آن جمع باشد، پیامبر اکرم^(ص) به او فرمودند: «دروغ نگوا».

مصلحتش را هم خودش تعیین می کرد. گاهی برای اینکه خلاف میلش عمل نکنند، دروغ می گفت و دلیلش هم جلوگیری از بحث و دعوا بود. در خانه یا محل کار یا حتی جمع دوستانش بود. خلاصه اینکه دروغ گفتن در خلال همه حرف ها آن قدر برایش عادی شده بود که این کار برایش مثل آب خوردن راحت شده بود و دیگر بر هیچ دروغی نام دروغ نمی گذاشت. در دین عزیز ما، اسلام، دروغگویی، از گناهان کبیره به شمار می آید. پیامبر اکرم^(ص) در

آن را می خوردند. بلاگری، یکی از شغل های انتخابی اش بود. صبح به صبح، زاویه دوربین را رو به گوشه خانه که دکوری زده و تزئین کرده بود، می برد و داستانی را روایت می کرد که واقعیت نداشت. ایجاد حال خوب و جذب مخاطب هم دلیلی بود اضافه بر دلایل قبلی اش برای توجیه دروغگویی هایش. برای هر دروغی اسمی گذاشته و حرام خدا را برای خودش، حلال کرده بود. بعضی دروغ ها مصلحتی نبودند.

نیلوفر نویدی ا عادت کرده بود در هر جمعی، توجه همه را به خود جلب کند. هر چند نفر که بودند، برایش مهم نبود و تا دورهم جمع می شدند، شروع به حرف زدن می کرد برای اینکه بگوید در همه چیز بهترین است؛ گاهی در حرف هایش غلو می کرد و ته دلش می گفت حالا برای بقیه چه فرقی می کند این باشد یا آن؟ یک زندگی معمولی مثل همه آدم های این کره خاکی داشت، اما طوری از زندگی اش تعریف می کرد که همه حسرت

شنیدنی

احکام

در روایتی از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده است که فرمودند: «من از قرائت در رکوع و سجود نهی شده ام، پس در رکوع، خداوند را بزرگ بردارد و در سجده، زیاد دعا کنید که سزاوار است مستجاب شود».

امام صادق^(ع) از پدر بزرگوارشان و ایشان از امیرالمؤمنین^(ع) روایت کرده اند: «قرائتی در رکوع و سجود نیست. در رکوع و سجود تنها مدح خدای عزوجل است و بعد از آن درخواست و دعا، پس قبل از دعا، با مدح و ثنای خدای عزوجل شروع کنید، سپس دعا کنید».

علامه مجلسی از این روایات نتیجه گرفته است که ذکر و دعا در رکوع، مستحب است و نیز فرستادن صلوات در رکوع و سجود، مستحب است؛ چه بعد از ذکر چه قبل از آن و این هم خود نوعی دعاست.

سخن آخر اینکه اگر می دانیم عارف یا عالمی در نماز خود عملی را با استناد به روایات صحیح انجام می دهد و رعایت کرده است که از نظر فتوای مراجع تقلید در رساله های عملیه معنی نداشته باشد، اشکالی ندارد، وگرنه نمی توان به آن استناد و بر طبق آن عمل کرد.

ذکر رکوع

پرسش: آیا در ذکر رکوع و سجود اگر فقط یک سبحان... بگوییم، کافی است؟

پاسخ اجمالی: در مورد ذکر رکوع و سجود برخی فقها معتقدند هر ذکری را می توان در رکوع و سجود گفت، اما احتیاط آن است که آن ذکر دست کم به اندازه سه مرتبه «سبحان...» یا یک مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» باشد که بر این اساس، گفتن یک بار «سبحان...» کفایت نمی کند.

از طرفی برخی فقها نیز احتیاط را در آن می دانند که هر ذکر در رکوع گفته نشود. بلکه یا تنها سه بار «سبحان...» گفته شود یا آنکه در رکوع و سجود به ترتیب «سبحان ربی العظیم و بحمده» و «سبحان ربی الاعلی و بحمده» گفته شود.

گفتنی است درباره اذکار رکوع و سجود، روایاتی وجود دارد.